

## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت - 4 / شهریور / 1383

بسم الله الرحمن الرحيم

به برادران و خواهران عزیز؛ جناب آقای رئیس جمهور، آقایان وزرا، معاونان، مسؤولان و مدیران عالی رتبه خوشامد عرض می‌کنم.

رسم ما این است که در هفته‌ی دولت، هم یاد شهدای عزیز این هفته را گرامی می‌داریم - در واقع با تکرار نام شهید رجایی و شهید باهنر، این پرچمها را که تعیین کننده‌ی خط مشی دولت و نظام جمهوری اسلامی است، مشخص تر و واضح تر جلوی چشم خودمان می‌گیریم، تا فراموش نکنیم که از چه راهی عبور می‌کنیم و به کجا می‌خواهیم برسیم - و هم پایان یک سال و آغاز سال جدید را به دولت محترم و خدمتگزار معمولاً تبریک عرض می‌کنیم.

امسال این حوادثی که در نجف و در مجموعه‌ی کشور همسایه‌ی ما - عراق - رخ می‌دهد، حقیقتاً آن چنان غمی را بر دل‌های ما تحمیل می‌کند که نشاط تبریک‌گویی و تبریک‌شنوی را سلب می‌کند. حقاً و انصافاً آنچه که امروز نظامیان اشغالگر در عراق و بخصوص در نجف انجام می‌دهند، از نقاط سیاه‌ماندگار و فراموش‌نشده‌ی است. نجف یک دانشگاه است؛ فقط یک شهر معمولی نیست. هزار سال است که این شهر مرکز علم، مرکز پرورش علمای بزرگ و صادر کردن علمای برجسته و پارسا و پرهیزگار به همه‌ی نقاط دنیای اسلام بوده و بالاتر از این، مرقد امیرالمؤمنین و محل توجه دل‌های مسلمانان و بخصوص شیعیان است. این نظامیان اشغالگر با نادیده گرفتن همه‌ی این مسائل، این یادگارهای عزیز تاریخی و همیشگی ملت ما را این طور راحت مورد تهاجم قرار می‌دهند و سیاستی را که از نظر افکار عمومی دنیا و از نظر همه‌ی معیارهای انسانی صددرصد محکوم است، می‌خواهند این جا پیش ببرند. سیاست امریکایی‌ها در عراق و بخصوص در این حوادث نجف، سیاست پیش بردن کار با زور و سرکوب است و بدیهی است کاری که با زور و سرکوب خواهد پیش برود، یقیناً کار ماندگار و موفق نخواهد بود؛ اینها بلاشک شکست می‌خورند. و تعجب این است که این سیاستگذاران ناشی و مست و لایعقل امروز امریکا و پشتیبانان آنها نمی‌فهمند که چه اشتباه بزرگی را مرتکب می‌شوند و سیاست غلطشان را دنبال می‌کنند. بلاشک این سیاست علاوه بر این که ضربه‌های طاقت‌فرسایی را به نظام امریکا خواهد زد، ده‌ها سال دره‌ی عمیق نفرت را بین امریکایی‌ها و اشغالگران با امت اسلامی و دنیای اسلام به وجود خواهد آورد. ما با ملت و با مظلومان عراق همدردی و همدلی می‌کنیم و کارهای اشغالگران را محکوم می‌کنیم و امیدواریم خداوند متعال در حمایت از حق، سنت همیشگی خودش را بار دیگر نشان دهد.

این روزها شما آخرین سال دولت را می‌خواهید آغاز کنید. البته آخرین سال این دولت با اولین سال این دولت هیچ تفاوتی ندارد. همه‌ی سالها، همه‌ی ماه‌ها و همه‌ی روزها، روزهای کار و خدمت است. این هست که وقتی شما در پایان یک دوره‌ی چهارساله یا هشت ساله، به مجموعه‌ی کار و تلاش مخلصانه‌ی بی که به خرج داده‌اید نگاه می‌کنید، هم خودتان احساس رضایت می‌کنید، هم مطمئن می‌شوید که خدای متعال از محصول کار شما راضی است و ملت هم نتایج این را در زندگی خودشان احساس می‌کنند. اگر خدای نکرده کمبود و نقیصی وجود داشته باشد، انسان در دل خودش نه این رضایت را از خود دارد، نه این خاطرجمع‌ی را از رضایت الهی و رضایت مردمی. ما وظایفی داریم. ماها می‌آییم و می‌رویم؛ مسؤولان مختلف می‌آیند و مشغول کار می‌شوند و در مجموعه‌ی نظام جمهوری اسلامی نقش خودشان را ایفا می‌کنند و می‌روند، لیکن مجموعه‌ی فعال و کارآمد نظام با آمد و رفت ماها نباید هیچ‌گونه تغییری جز تقویت پیدا کند و به خودش ببیند؛ مثل بازیکنهای یک تیم؛ یکی خارج می‌شود، یکی داخل می‌شود؛ اما تیم مشغول کار خودش است و تلاش خودش را انجام می‌دهد و به مصلحت، یکی می‌آید و یکی می‌رود. روال کار بایستی تداوم و استمرار سیاستهای کلی بی باشد که مجموعه‌ی نظام آن را برای آینده‌ی کشور تصویر کرده است. البته دوره‌ی کاری هر کدام از ماها یک بخشی از عمر این نظام را در واقع به خود

اختصاص داده؛ فرضاً وقتی یک دولتی دو دوره - هشت سال - ادامه پیدا می کند، این در وضع کنونی، تقریباً یک سوم عمر همه ی نظام را اشغال کرده و کار کرده و تلاش کرده است؛ اینها معیارهای ارزیابی ما از کارهایمان بایستی باشد.

من اولین نکته یی را که می خواهم به شما مدیران ارشد این مجموعه عرض کنم، این است که «انگیزه» یی کار در آغاز و در انجام کار نباید هیچ تفاوت کند. یک مؤلف وقتی کتابی را می نویسد، صفحه یی آخر را با همان همت و با همان انگیزه یی می نویسد که صفحه یی اول را شروع کرده؛ زیرا اگر صفحه یی آخر را شما ننویسید، یا دقت به خرج ندهید، یا با خط خوب ننویسید، کتاب ناقص خواهد شد. به نظر من، مهمترین مسأله در آخرین سال مسؤولیت و خدمت این دولت این است که دوستان و برادران و مدیران با همان انگیزه و با همان تلاشی که در آغاز ورودشان به عرصه یی خدمتگزاری داشتند، کار بکنند؛ نگذارید خدای نکرده همتهایتان کاستی بگیرد.

نکته یی دیگر این است که همه یی ما نسبت به آنچه که انجام می دهیم، مسؤولیم؛ منتها مسؤولیتها غالباً با پایان دوره یی مسؤولیت تمام نمی شود؛ چون کارهای ما تأثیراتی در کارهای افراد بعد از ما می گذارد. همان طور که ما بر روی بنای افراد قبلی شروع به کار کردیم، دیگران هم بر روی بنای ما شروع به کار خواهند کرد. بنابراین، پی ها را بایستی محکم گذاشت و ساختمان را بایستی استوار بنا کرد، تا هرچه که خواستند روی آن بسازند، بتوانند. و این، افتخارش برای شما خواهد بود. اگر شما سیاستهای خوبی را امروز بگذارید و اجرا کنید - که این سیاستها در آینده ساری و جاری خواهد بود - هر کسی که بر اساس این سیاستها کار کند، ثواب و افتخار آن، برای شما خواهد بود؛ اما اگر خدای نکرده کوتاهی هم بکنید، باز همین طور است؛ یعنی «من سنّ سئة حسنة کان له اجرها و اجر من عمل بها الی یوم القیامة و من سنّ سئة سیئة کان علیه وزرها و وزر من عمل بها الی یوم القیامة». کارهای ما تأثیراتی در آینده می گذارد. با این دید، با این نگاه، بایستی به همه یی کارهایمان نگاه کنیم.

گزارشهایی که امروز داده شد، گزارشهای بسیار خوبی بود؛ اما افسوس که هم کوتاه بود و هم همه یی دوستان فرصت نکردند گزارش بدهند و هم فرصت نشد که همه یی آنچه را که در هر دستگاه هست، گزارش بدهند. این جلسه برای گزارش دادن کافی نیست؛ شما بخشی از وقت امسال را برای گزارش دادن به مردم صرف کنید. این که ما گفتیم امسال، سال پاسخگویی است، مظهر این پاسخگویی همین گزارشهایی است که شما به مردم خواهید داد. بسیاری از کارهایی را که در بخشهای شما انجام گرفته - من البته اطلاع دارم، ولی در همین گزارشهای کوتاه، آنها را ذکر نکردید. این کارهای خوب و مهم انجام گرفته و شما فرصت نکردید که ذکر کنید - خیلی ها نمی دانند. برنامه سازی کنید و آنچه را که انجام گرفته، ترسیم و بیان کنید؛ من قبلاً به آقای رئیس جمهور هم این مطلب را گفته ام. دو ستون درست کنید: کارها و خدماتی که انجام داده اید، کارهایی که انجام نداده اید، یا ناکام مانده اید در انجامش؛ اینها را با مردم در میان بگذارید و بدانید که مردم قدر خدمت و قدر تلاش را می دانند. ما باید هم کارهای کرده یی خودمان و هم کارهای نکرده یی خودمان، یا درست نکرده یی خودمان را با صداقت در میان بگذاریم. مطمئناً آن تلاش و همت و اهتمامی که انجام گرفته برای ستون مثبتها، عذر خواهد بود برای ما نسبت به ستون ناکرده ها؛ چون ناکرده ها از روی تعمد، ناکرده نمانده، بلکه به خاطر کمبود امکان، کمبود منابع و گاهی به خاطر دیر رسیدن فکر به ذهن انسان و مسائلی از این قبیل، ناکرده مانده است. این مسائل را برای مردم بیان کنید؛ من بر این معنا اصرار دارم. عملکرد شما از عملکرد نظام جدا نیست؛ نمی شود گفت ما نظام خوبی داریم؛ اما دولت بدی داریم؛ بالاخره دولت برخاسته یی از همین نظام است. هر کاری که شما کرده باشید و خوب کرده باشید، برای نظام است و اگر کاری نکرده باشید، یا بد کرده باشید، باز هم متعلق به نظام است. ما اصرار داریم که آنچه انجام گرفته و اهتمام به کار رفته، صادقانه، درست و روشن به مردم بیان شود؛ مشخص کنید چه تحویل گرفته اید و چه تحویل خواهید داد؛ مثل صورت وضعیتهایی که مهندسان در هنگام تحویل و تحول یک کار تهیه می کنند، شما هم صورت وضعیت کار خودتان را حقیقتاً مشخص و معین کنید و سعی کنید که حداکثر دقت را هم در اتقان آن به کار ببرید. حقیقتاً وقتی ما با مردم مواجه می شویم، می توانیم اعتماد مردم را با صدق لهجه و بیان واقعیتها کاملاً جلب کنیم. نباید تصور کرد که صداقت و عدم صداقت از نظر مردم پوشیده خواهد ماند؛ بالاخره توجه می کنند.

نکته دیگر این است که اولویتهایی را در مدت باقی مانده باید در نظر بگیرید. وقتی انسان چشم انداز میدان کارش طولانی است، انتخابهای متعددی می تواند داشته باشد؛ اما وقتی چشم اندازها کوتاه می شود، زمان هم برای ادامه ی کار کوتاه می شود و انتخابها هم کم؛ بایستی اولویتهای را در نظر گرفت. به نظر من یکی از اولویتهای در این مدت یک سال عمر این مجموعه ی دولت، این است که اهتمام کنید به اتمام کارهایی که شروع کرده اید. این گزارش کارهای نیمه تمام - که آقای رئیس جمهور بیان کردند - بسیار مهم است. ما بینیم کارهای نیمه تمام که در دو یا سه سال پیش داشته ایم چقدر بوده و امروز چقدر است. انسان وقتی نگاه می کند و می بیند این کارها به انجام رسیده، احساس موفقیت می کند. به نظر من یکی از کارهای مهمی که در این مدت باید انجام بگیرد، همین است که کارهای نیمه کاره را سعی کنید به اتمام برسانید. موضوع دوم در اولویتهای، این است که این کار به معنای این نیست که نهالهای تازه سر برآورده را فراموش کنید؛ نه. مثلاً فرض کنید به همین کار تحقیقات، کار تولید علم، ارتباط صنعت و علم و همین پارکها یا مراکز تحقیقاتی که کارهای جدید است و نهالهای تازه سر برآورده، و کاری هم نیست که تمام شدنی باشد، باید توجه کنید که استمرار پیدا کند، تا این درخت، تناور شود؛ به اینها هرچه می توانید، برسید. این، جزو بهترین چیزهایی است که از شما باقی خواهد ماند.

نکته دیگر این است که صحنه را تا آن جایی که می توانید از فساد پاک کنید. من روی مسأله ی فساد خیلی تکیه کرده ام و ممکن است بعضی به نظرشان بیاید که تکراری است، و چرا؟ نه، من اعتقاد راسخ دارم که مادامی که ما مجموعه ی دستگاه اجرایی خودمان را - اعم از دستگاه های قوه ی مجریه و دستگاه های قوه ی قضاییه - از فساد مالی و انحراف از روشهای قانونی و صحیح خالی نکنیم، همه ی کارهای ما مثل همان آبی - گزارش دادند که ما از مصرف آب کشور درست استفاده نمی کنیم؛ مثل همین آبیاری های غرقابی، یا مثل همین یارانه هایی که دولت می دهد و بخش عمده ی آن هدر می رود و بخشی از آن به جایی که باید برسد، می رسد - که گزارش دادند، هدر خواهد رفت. من بارها این را گفته ام، مثال زده ام و تکرار کرده ام که فساد در دستگاه اجرایی مثل این است که ما چندین لوله ی قطور آب به استخری وارد می کنیم؛ اما استخر پُر نمی شود؛ این همه تلاش انجام می گیرد، درعین حال انسان زوایای خالی را مشاهده می کند، که بخش عمده یی از این، مربوط می شود به فساد مالی و به رخنه های اخلاقی که در مجموعه ی دستگاه در سطوح مختلف وجود دارد. باید با اینها مبارزه و مقابله کنید. تا یک عزم جدی و راسخ برای مقابله یی با اینها وجود نداشته باشد - که حالا بحمدالله این عزم هست و انسان آن را می بیند - و به دنبال آن عزم، عمل، تحرک، دنبالگیری و عدم اغماض نباشد، ریشه ی فساد بیرون نخواهد آمد و همین طور روی مجموعه ی فعالیتهای مخلصانه یی که در مجموعه ی دستگاه انجام می گیرد، تأثیر می گذارد.

دوستان به مسأله ی کوچک کردن، خصوصی سازی و حجم زیاد و فربه ی دولت اشاره کردند، که اینها همه مورد تأیید است. من این نکته را عرض کنم: ما در زمینه ی همه ی فعالیتهای گوناگون اقتصادی و تولیدی کشور و حواشی آن، باید توجه کنیم که ما هم توسعه محوریم، هم عدالت محور. ما طبق برخی از سیاستهایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن، فکر نکنیم؛ نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها با هم متنافی نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند اینها با هم نمی سازند و یا باید این را انتخاب کرد یا آن را، قبول نداریم. این نکته باید در همه موارد؛ هم در کاهش حجم دولت، هم در مسأله ی خصوصی سازی، هم در نگاه کلی به مسائل اقتصادی و هم در تقسیم منابع میان بخش خصوصی و بخش تعاونی و بخش دولتی رعایت شود.

ما منابع مالی کشور را کجا بیشتر مصرف می کنیم؟ البته این یکی از نقاط درست است؛ این که دوستان تکیه کردید که ما این مقدار را به بخش خصوصی از حساب ذخیره ی ارزی یا از منابع دولتی تزریق کردیم؛ این فلسفه ی درست و سیاست درستی است؛ منتها در کنار این، توجه کنید که ما با این کار عقب افتادگی هایمان را جبران کنیم و نباید به سمت افراط در این زمینه برویم. بخش تعاونی را تقویت کنیم، اموال دولت و دارایی ها و موجودی های دولت را برای رعایت مصلحت عموم حفظ کنیم و مواظب باشیم که اموال دولت و دارایی های دولت در زیر این قالب

و چهارچوب از بین نرود و نابود نشود.

نکته ی بعد این که ممکن است فعالیتهای کاری ما با ابتکارها و دیدگاه های نو و نیروهای پُرنشاط و نوبه نو تغییر پیدا کند، لیکن سیاستهای کلی مان نباید دچار التهاب و اغتشاش شود؛ یعنی خط سیاسی مستمري که در سند «چشم انداز» دیده شده، بایستی ادامه پیدا کند. البته وقتی ما هدفی داریم، کارکنان و عاملان و بازیکنان نوبه نویی وارد صحنه می شوند، ابتکارهای خودشان را به کار می زنند، کارهای جدیدی را انجام می دهند، رأی و نظر خودشان را به کار می بندند و ممکن است از صحنه کنار بروند و کس دیگری بیاید و در بخشی از بخشها جای آنها را بگیرد - این ایرادی ندارد - و ابتکار جدیدی را به کار بزند و نگاه جدیدی به مسائل و اجرائیات داشته باشد، لیکن سعی کنیم ثبات سیاسی در کشور و در سیاستهای کلی کشور دچار التهاب نشود. یکی از چیزهایی که اطمینان و اعتماد را به کار بلندمدت اقتصادی و اجتماعی در کشور تضمین می کند، ثبات سیاستهاست؛ ما بایستی به این موضوع هم در اظهاراتمان، هم در عملکردمان و هم در انعکاس کارهایمان توجه کنیم و اهمیت دهیم.

سیاست نظام اسلامی این بوده که به مردم تکیه کند. حقیقتاً نظام مردمسالار به معنای حقیقی کلمه نظام جمهوری اسلامی است. ما در چهارچوب اسلام و با هدایت اسلام و نگاه اسلامی، به مردم تکیه می کنیم و با مردم و برای مردم حرکت می کنیم. تکیه به مردم، تکیه به جوانها، دفاع از حقوق محرومان - در کشور ما انگیزه ی دفاع از محرومان عمومی است؛ اگرچه که امیدواریم دایره ی محرومان روزبه روز کوچکتر شود و کمتر باشند - به کارگیری سرمایه ها و ابتکارهای صاحبان سرمایه - یکی از بخشهای تکیه به مردم، همین به کارگیری سرمایه های آنهاست - کلاً سیاست نظام اسلامی است. ما سرمایه های مالی و سرمایه های فکری و ذهنی مردم را برای پیشرفت کشور به کار می گیریم و ان شاءالله ستون موفقیتها را برای این دولت هرچه طولانی تر می کنیم.

نکته ی دیگری که لازم است این جا تذکر بدهم، این است: همه ی کسانی که حرف می زنند - چه در مطبوعات، چه در تریبونها و منابر دیگر - مواظب باشند خدمات و تلاشهای صادقانه ی دولت را به خاطر کمبودها زیر سؤال نبرند. ما کمبودها و نقصها و ناکامیها را در بخشهای گوناگون انکار نمی کنیم؛ اما به هیچ وجه وجود نقص و کمبود نباید موجب شود که تلاشهای صادقانه و خدمات ارزنده و کارهای شده، زیر سؤال برود و انکار شود؛ که این بی انصافی است، و امیدواریم هیچ کس این بی انصافی را نکند.

من می خواهم خواهش کنم که این سال آخر خدمت این دولت خدمتگزار، به مناقشات بی حاصل نگذرد؛ چه در درون دستگاه اجرایی، چه بین قوه ی مجریه و قوه ی مقننه، چه در مجموعه ی نظام. گفتن، تذکر دادن، پرسیدن و نظارت - که از جمله کارهای مجلس شورای اسلامی است - یک حق مسلم است؛ ما در این تردیدی نداریم و معتقدیم که نقد منصفانه و پاسخگویی منصفانه به نقد، به تقویت دستگاه و نظام کمک می کند، لیکن این نباید با مناقشات و گفتگوها و بگومگوهای لفظی اشتباه شود.

شما کارهای جدیدی را امسال شروع کردید که به نظر من کارهای خوبی است: مبارزه ی با قاچاق به صورت کارآمد و بنیانی، وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، سازمان گردشگری و میراث فرهنگی؛ اینها کارهای امسال شماست و شروع کار نو در سال آخر یک دولت، به نظر من نشانه ی خوبی است از این که مسؤولان دولتی احساس نمی کنند که بناست تاریخ انقلاب و کشور با جابه جایی ها ختم شود؛ نه، همچنان که دیگران کاشتند و ما خوردیم، ما می کاریم تا دیگران بخورند؛ ما بنیان می گذاریم تا دیگران تکمیل کنند؛ تا دیگران از آن استفاده کنند و بهره ببرند.

این سه کاری که شما امسال شروع کردید، به نظر من یکی از پیامهای بسیار خوب و مثبتی که دارد این است که دولت احساس نمی کند که چون سال پایانی دولت است، پس پایان نظام جمهوری اسلامی است؛ نه، دولت کارهایی را بنیانگذاری می کند، تا دیگران بیایند و ان شاءالله آن را دنبال کنند. اتفاقاً این کارهایی که شروع شده، کارهای بسیار خوبی است. مسأله ی قاچاق حقیقتاً برای کشور خطر است و مبارزه ی کارآمد با قاچاق یکی از خدمات بسیار بزرگ است. رفاه و تأمین اجتماعی هم کلاً ناظر به طبقات محروم است و سازمان گردشگری و میراث فرهنگی هم که ما قبلاً از آن تمجید زیادی کرده ایم؛ اگر زیادتیر بگوییم، می ترسیم زیادی شان بشود! امیدواریم که ان شاءالله همه شان موفق و مؤید باشند.

من از خدای متعال می‌خواهم که به شماها توفیق دهد و کمکتان کند. ان شاءالله شماها توفیق خدمتگزاری برای این نظام و کشور و دولت معزز جمهوری اسلامی را تا آخر عمرتان داشته باشید و همیشه در خدمت این نظام باشید و برای این نظام کار کنید و تا روز آخر هم - یعنی روز آخر این سال آخر را مثل روز آخر سال اول بدانید - هیچ تغییری در انگیزه و اهتمام شما ان شاءالله به وجود نیاید و خدای متعال از شما راضی باشد و مردم هم راضی باشند.

تأکید می‌کنم آن دو تا ستون را حتماً ترسیم کنید. من دو، سه مرتبه با آقای خاتمی در همین سال پاسخگویی - البته چه قبل از فروردین امسال، چه بعد از فروردین - درباره‌ی این قضیه صحبت کرده‌ام. هیچ اشکالی ندارد که مجموعه‌ی دولت مشخص کند که این بخش از مجموع عملکردش مثبت است؛ این بخش، منفی؛ چون آن بخش که مجموع عملکردش منفی است، معنایش این نیست که بد کار کرده، بلکه ممکن است کمبود منابعش، نداشتن امکانات و نبودن زیرساختهایش در عملکردش مؤثر بوده است، که البته کاملاً عملی و ممکن است. حداقل کار این است که در هر بخشی از بخشها، ستون موفقیتها را با ستون عدم موفقیتها کنار هم بگذارند و به مردم نشان بدهند، تا مردم جمع بندی کنند. البته اعتقاد من این است که این تراز، تراز مثبتی خواهد شد؛ یعنی جمع بندی، جمع بندی مثبت خواهد شد. نباید مردم تصور کنند که ما فقط جنبه‌های مثبت را می‌گوییم و منفی‌ها را نمی‌گوییم. به من تذکر دادند که این تجمیع کارهای مربوط به ایثارگران در بنیاد ایثارگران هم کار خوبی بوده. بله، این را هم من تصدیق می‌کنم؛ یادم نبود که بگویم. این هم یکی از آن کارهای بسیار خوبی بود که انجام گرفت؛ امیدواریم ان شاءالله این کار هم کار موفقیت‌آمیزی باشد و پیش برود و ان شاءالله پیش هم می‌رود و به نفع ایثارگران تمام می‌شود. خداوند شماها را موفق و مؤید بدارد